



روش‌شناسی‌های موجود نتوانسته‌اند هدف علوم انسانی را محقق کنند

نویسنده «روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی» گفت: مطلوب ما در علوم انسانی عبارت است از: تعریف، توصیف، تبیین، تفسیر، پیش‌بینی، ارزشیابی و جهت‌دهی کنشهای انسانی. روش باید در خدمت تحقق این اهداف باشد.

نویسنده «روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی» گفت: مطلوب ما در علوم انسانی عبارت است از: تعریف، توصیف، تبیین، تفسیر، پیش‌بینی، ارزشیابی و جهت‌دهی کنشهای انسانی. روش باید در خدمت تحقق این اهداف باشد.

به گزارش خبرنگار مهر، حجت الاسلام احمدحسین شریفی، استاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) در زمستان ۱۳۹۳ کتاب مبانی علوم انسانی اسلامی را نوشت، وی در پائیز ۱۳۹۵ کتاب روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی را به رشته تحریر درآورد که در واقع در امتداد کتاب اولی و به نوعی ادامه آن است. در متن پیش رو در مورد اهمیت روش و روش‌شناسی علوم انسانی و ویژگی‌های این اثر که نخستین کتاب در مورد روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی است با او به گفتگو نشستیم که شما را به خواندن آن دعوت می‌کنیم؛

*آقای دکتر! در ابتدای بحث ضروری است تعریفی از علوم انسانی ارائه دهید.

از نگاه بنده علوم انسانی، علمی‌اند که به بررسی کنشهای انسانی انسان می‌پردازند، اما این تعریف، مجمل و تا اندازه‌ای ناگویا است. توجه به کارکردهای علوم انسانی و انواع تحلیلهایی که درباره کنشهای انسانی انجام می‌دهند، فهم دقیق‌تری از علوم انسانی و به تبع علوم انسانی اسلامی و در نتیجه روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی برای ما به ارمغان می‌آورد. در مجموع می‌توان گفت در همه علوم انسانی، هفت کار درباره کنشهای انسانی انسان صورت می‌گیرد: تعریف، توصیف، تبیین، تفسیر، پیش‌بینی، ارزشیابی و کنترل یا جهت‌دهی.

*چرا روش‌شناسی علوم تجربی با علوم انسانی متفاوت است؟

در همه علوم انسانی، هفت کار درباره کنشهای انسانی انسان صورت می‌گیرد: تعریف، توصیف، تبیین، تفسیر، پیش‌بینی، ارزشیابی و کنترل یا جهت‌دهی.

با توجه به تفاوت ماهوی کارکردهای هفت گانه علوم انسانی، طبیعتاً هر کدام از آنها از روش خاصی تبعیت می‌کنند. به تعبیر دیگر تعریف برای پاسخ دادن به سؤال از چیستی است و این نوع سؤال، روش خاصی برای پاسخ‌گویی می‌طلبد؛ همان‌طور که توصیف برای پاسخ دادن به سؤال از چگونگی است و معلوم است که چنین سؤالی را نمی‌توان با روشی که سؤال‌پیشین را پاسخ دادیم، تحلیل کرد؛ زیرا نوع مسأله و موضوع مورد تحقیق است که روش خود را اقتضا می‌کند. به همین ترتیب تبیین برای پاسخ دادن به سؤال از چرایی ثبوتی است و تفسیر برای پاسخ دادن به سؤال از چرایی اثباتی. پیش‌بینی برای پاسخ دادن به سؤال از «چه خواهد شد؟» است و ارزشیابی برای پاسخ دادن به سؤال از بایستگی یا نبایستگی و شایستگی یا ناشایستگی آن کنش خاص است و کنترل برای پاسخ دادن به سؤال از «چه باید کرد؟» است. تنوع این سؤالات، روشهای متنوعی نیز اقتضاء می‌کند.

*موضوع روش‌شناسی چقدر برای علوم مهم است و می‌تواند باعث رشد و تعالی شود؟

بحث از روش و روش‌شناسی، یکی از پرجاذبه‌ترین و البته پرمجاذله‌ترین مباحث در میان عالمان علوم انسانی است، تا جایی که بعضاً دوران اخیر را دوران نبرد روشها نامگذاری کرده‌اند. در دهه‌های اخیر، صدها کتاب درباره روش و روش‌شناسی نوشته شده است. تحقیقات بسیار گسترده، مفید و کارگشایی در این زمینه صورت گرفته است. با این حال به نظر می‌رسد بسیاری از اندیشه‌ها و آثار پدید آمده ابتدایی‌ترین شرایط روش یعنی روشنگری، وضوح، کارآمدی و راهبری را ندارند. گویا روش‌شناسی نیز سرنوشت علم منطق، اصول فقه و هرمنوتیک را پیدا کرده است. فلسفه وجودی این علوم نیز این بود که به ترتیب، شیوه درست اندیشیدن، روش صحیح استنباط و کشف آموزه‌های دینی و روش فهم و تفسیر متن را نشان دهند، اما بعد از مدتی خود آنها اصالت پیدا کردند و افرادی متخصص در این علوم ابزاری شدند و آنقدر بر حواشی و شاخ و برگهای آنها افزودند که فلسفه شکل‌گیری آنها به فراموشی سپرده شد. روش‌شناسی نیز علی‌رغم آنکه زمان چندانی از پیدایش آن نمی‌گذرد، به همین سرنوشت مبتلا شده است!

تا نتوانیم روشهای صحیح و واقعیت جویانه و حقیقت پژوهانه ای برای توصیف، تبیین، تفسیر و سایر کارکردهای علوم انسانی ارائه دهیم، نمی توانیم امیدی به تولید علوم انسانی اسلامی یا اسلامی سازی علوم انسانی داشته باشیم

افزون بر این، روش شناسی های موجود در بسیاری از موارد فاصله زیادی با مطلوب دارند. مطلوب ما، در علوم انسانی عبارت است از: تعریف، توصیف، تبیین، تفسیر، پیش بینی، ارزشیابی و جهت دهی یا کنترل کنشهای انسانی. اگر چنین است روش نیز باید بتواند این مطلوب و خواسته را تأمین کند و باید در خدمت تحقق این اهداف باشد. باید بتواند توصیف صحیح از ناصحیح را نشان دهد؛ در تبیین و سایر مؤلفه ها نیز به همین ترتیب.

برخی از مخالفان علوم انسانی اسلامی، تحلیلی از اهداف و کارکردهای علوم انسانی ارائه می دهند که این علوم را محدود به رویکردها و روشهای تجربی می کند و بدین ترتیب محصول مطالعات دانشجویان رشته های علوم انسانی حتی در اسلامی ترین مراکز و مؤسسات و دانشگاه ها، چیزی جز نگاه سکولاریستی و ماتریالیستی نخواهد بود! بنابراین تا نتوانیم روشهای صحیح و واقعیت جویانه و حقیقت پژوهانه ای برای توصیف، تبیین، تفسیر و سایر کارکردهای علوم انسانی ارائه دهیم، نمی توانیم امیدی به تولید علوم انسانی اسلامی یا اسلامی سازی علوم انسانی داشته باشیم.

***روش شناسی در اسلامی سازی علوم انسانی چقدر کاربرد دارد؟**

یکی از مهمترین ابعاد اسلامی سازی علوم انسانی، داشتن روشهایی است که با آنها بتوان به این مقصود دست یافت. روش، همچون راه می ماند. اگر ما می خواهیم به مقصد خاصی برسیم باید راهی را برگزینیم که ما را به آن مقصد برساند و الا اگر آگاهانه یا ناآگاهانه مسیری را برگزینیم که در جهت مقصود ما نباشد، هرچه تلاش کنیم و هر اندازه هم در طی طریق جدیت داشته باشیم هرگز به آن مقصود نخواهیم رسید.

روشهای سکولاریستی، محصولی جز علم سکولار پدید نمی آورند

بنابراین یکی از مهمترین گامها در تولید علوم انسانی اسلامی برخورداری از روش اسلامی توصیف و تبیین و تفسیر و امثال آن است. روشهای سکولاریستی، محصولی جز علم سکولار پدید نمی آورند، همان طور که از روشهای ماتریالیستی نمی توان انتظاری جز تولید علوم ماتریالیستی داشت. به همین ترتیب اگر در جستجوی علوم انسانی اسلامی هستیم، باید در همه مراحل علوم انسانی از روشهای هماهنگ با اندیشه و فکر اسلامی استفاده کنیم. بدون طی مراحل روش شناسی اسلامی تعریف، توصیف، تبیین، تفسیر، پیش بینی، ارزشیابی و کنترل، نمی توان به نظریه پردازی اسلامی در علوم انسانی امیدوار بود.

***شما در کتاب پرسشهای پژوهشی ناظر به علوم انسانی را از سه پرسش چیستی، چگونگی و چرایی به هفت پرسش ارتقا دادید، در این مورد و دلایل آن صحبت می کنید؟**

در فصل سوم کتاب به توضیح و شرح پرسشهای پژوهشی پرداختم و پس از آنکه دیدگاه منطقیان سنتی و روش شناسان معاصر را در تحلیل همه پرسشهای پژوهشی ناظر به علوم انسانی به سه پرسش چیستی، چگونگی و چرایی، ناکامل و ناکافی دانستم، پرسشهای پژوهشی را در هفت پرسش اصلی خلاصه کردم: ۱- پرسش از چیستی(ناظر به مقام تعریف)، ۲- پرسش از چگونگی (ناظر به مقام توصیف)، ۳- پرسش از چرایی(ناظر به مقام تبیین)، ۴- پرسش از معنایابی(ناظر به مقام تفسیر)، ۵- پرسش از وضعیت آینده (ناظر به مقام پیش بینی)، ۶- پرسش از ارزشمندی و خوبی یا بدی(ناظر به مقام ارزشیابی) و ۷- پرسش از چگونگی جهت دهی و کنترل(ناظر به مقام کنترل).

از فصل چهارم تا پایان کتاب، براساس اندیشه و مبانی فکری اسلامی به تحلیل و تبیین روش شناسی هر کدام از پرسشهای هفت گانه ذکر شده پرداختیم. غیر از روش کنترل و جهت دهی، که فصل مستقلی را به خود اختصاص نداده است، سایر پرسشهای تحقیق را به تفصیل در فصول مستقلی مورد بحث و بررسی قرار داده ایم.

***ویژگی های مهم و اصلی کتاب روش شناسی علوم انسانی اسلامی چیست؟**

در این اثر همچون دیگر آثار، کوشیدم با پرهیز از طرح پیچیده مسائل به بهانه علمی و تخصصی بودن، مطالب را با بیانی ساده و رسا عرضه کنم، البته هرگز نخواستیم ام دقت و جامعیت را فدای سادگی و سهولت کنم. تقریباً در همه مباحث و همه فصول کتاب سعی شده است دیدگاه های مهمترین و مشهورترین صاحب نظران آن عرصه مورد توجه قرار گیرد و

حتی الامکان از آنها استفاده شود، البته روشن است که هر کدام از فصول این کتاب، خود می تواند به عنوان موضوعی مستقل به صورت تفصیلی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. بنده هرگز ادعا ندارم که همه مباحث مربوط به آنها در این کتاب ذکر شده است، بلکه صرفاً از جهت اهداف این کتاب، مورد توجه قرار گرفته اند و نه به صورت مستقل.

ویژگی دیگر نوشتار حاضر تطبیقی بودن آن است. در همه بخشهای کتاب کوشیده ام همزمان به اندیشه های مختلف توجه کنم. به همین دلیل در کنار تبیین اندیشه اسلامی در همه موارد به اندیشه های موجود در میان سایر اندیشمندان به ویژه اندیشمندان معاصر غربی نیز توجه داشته ام. برخلاف برخی از کتابها و نوشته هایی که تماماً ایده های فیلسوفان غربی را مد نظر قرار داده و هیچ نامی از هیچ اندیشمند مسلمانی در حوزه روش شناسی به میان نیاورده اند، در این کتاب کوشیده ام که بر اساس مبانی فکر اسلامی و با توجه به فلسفه و اندیشه اسلامی به تحلیل مسائل روش شناسی بپردازم و اصول روش شناختی علوم انسانی اسلامی را استخراج نمایم.

مدل روش شناختی این کتاب از هیچ نمونه نمونه دیگری تقلید و اقتباس نشده است. محصول تجربه شخصی بنده و مطالعات فراوان در این حوزه و تلقی خاصی است که من از کارکردهای علوم انسانی دارم. به گمانم روش شناسی های موجود، نتوانسته اند هدف این دانش را تأمین کنند، زیرا هدف اصلی روش شناسی، یافتن راهی برای کشف واقعیت و فهم حقیقت در مسائل مختلف علمی است. در حالی که نوشته های موجود، چنین هدفی را تأمین نمی کنند.

***مطالعه این کتاب چه توانایی را به خواننده می افزاید؟**

به نظر بنده کسی که این کتاب را به دقت مطالعه کند و اصول و آموزه های آن را مورد توجه قرار دهد، محصول اندیشه او را در همه بخشهای هفت گانه علوم انسانی، محصول اسلامی خواهد بود. به تعبیر دیگر این کتاب به صورت کاربردی نوشته شده است و صرفاً بحثی نظری و تئوریک نیست. به همین دلیل کوشیده ام با تکیه بر مبانی فکری اسلامی و به صورت کاربردی و عملیاتی، ویژگی های روش شناختی همه ارکان و مؤلفه های علوم انسانی را بیان کنم، حتی به دلیل اهمیت تبیین و تفسیر در علوم انسانی اسلامی، برای توضیح ویژگی های روش شناختی هر کدام از آنها فصلی جداگانه اختصاص داده ام. فصل هفتم به تحلیل ویژگی های روش شناختی تبیین اختصاص یافته است و فصل دوازدهم نیز به تشریح ویژگی های روش شناختی تفسیر.

کوشیده ام با تکیه بر مبانی فکری اسلامی و به صورت کاربردی و عملیاتی، ویژگی های روش شناختی همه ارکان و مؤلفه های علوم انسانی را بیان کنم

تمرکز این کتاب بر مسأله روش شناسی علوم انسانی اسلامی بوه است و نه روشهای حل مسأله یا توصیف روشهای رایج در علوم انسانی یا روش تحلیل در علوم انسانی و یا روشهای نظریه پردازی در علوم انسانی اسلامی، البته به امید خدا در کتابی مستقل روش نظریه پردازی در علوم انسانی اسلامی را به بحث خواهم گذاشت.

از دیگر ویژگی های کتاب این است که تعریفی شفاف از مقوله هایی مثل توصیف، تبیین و تفسیر ارائه کرده است. این مقوله ها در روش شناسی علوم انسانی از اهمیت بالایی برخوردارند و هم بسیار بحث برانگیزند و هم بعضاً بسیار متشنت و متداخل به کار گرفته شده اند. بنده کوشیده ام بر اساس منطق و مبانی فکر اسلامی، تعاریفی روشن، دقیق و غیرمتداخل از این مقوله ها ارائه دهم.

***چه ارتباطی بین کتاب مبانی علوم انسانی اسلامی که در سال ۱۳۹۳ منتشر شد با روش شناسی علوم انسانی اسلامی که اخیراً منتشر شد، وجود دارد؟**

نکته مهم درباره این کتاب این است که می توان آن را به عنوان حلقه ای واسط میان کتاب مبانی علوم انسانی اسلامی و روش نظریه پردازی در علوم انسانی اسلامی تلقی کرد. بنده پیشتر در کتاب مبانی علوم انسانی اسلامی، مبانی هستی شناختی، معرفت شناختی، انسان شناختی، دین شناختی و ارزش شناختی علوم انسانی را به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار داده ام. افزون بر این در آن کتاب بحثی تفصیلی درباره چیستی علوم انسانی و علوم انسانی اسلامی ذکر شده است.

در این کتاب بر روش شناسی کارکردهای مختلف علوم انسانی براساس مبانی اسلامی متمرکز شدم، یعنی کوشیدم با تکیه بر فکر و اندیشه اسلامی، روشی معقول برای هر یک از تعریف، توصیف، تبیین، تفسیر، پیش بینی، ارزشیابی و کنترل کنشهای انسانی ارائه دهم. در مرحله سوم باید با تکیه بر آن مبانی و این اصول روش شناختی، روش نظریه

پردازی در علوم انسانی اسلامی را مورد تحلیل قرار دهم. به همین دلیل برای فهم درست کتاب روش شناسی علوم انسانی اسلامی، مطالعه کتاب مبانی علوم انسانی اسلامی لازم است. بدون مطالعه دقیق آن کتاب، نمی توان بهره کافی را از این نوشتار برد.

خداداد خادم